

اسلام پژوهی ۲

منیرالدین احمد

پارسی کرده‌ی:

محمدحسین ساکت

نهاد آموزش اسلامی

پایگاه اجتماعی دانشمندان مسلمان

در پرتو تاریخ بغداد

نشر نگاه معاصر

## فهرست

۷	درآمد
۴۳	بخش ۱: دیباچه
۷۷	بخش ۲: آموزش
۲۴۹	بخش ۳: پایگاه اجتماعی دانشمندان
۳۲۳	پیوست ۱: آموزش و پرورش اسلامی
۳۶۹	پیش از برپایی مدرسه
	پیوست ۲: ناکامی‌های سیبویه
۳۸۳	پیوست ۳: نقد و نظرها درباره‌ی
۴۱۳	کتاب نهاد آموزش اسلامی
۴۳۱	کتاب‌نامه
	نمایه

دکتر منیرالدین احمد  
بنیاد خاورشناسی آلمان، هامبورگ  
۲۳ می، ۱۹۹۷

آقای محمد حسین ساکت  
مشهد، ایران

آقای ساکت عزیز،

من این نامه را به شما می نویسم تا سپاس و خرسندی ام را از ترجمه‌ی فارسی شگفت‌آفرین شما از کتابم بیان دارم. در حقیقت با کار شما آرزوی دیرین من برای نشر بازنگری شده‌ی این کتاب، که اکنون سال‌هاست که از چاپ بیرون آمده است، جان گرفت.

ترجمه‌ی کوتاه همین کتاب نیز به زبان تازی در عربستان سعودی نشر یافته است. در واقع، دکتر سامی الصقار، مترجم عربی کتاب، کاری را که شما کرده‌اید انجام نداده است. او تنها محتوای کتاب را به کوتاهی، و آن هم در بسیاری از جاها نه چندان دقیق، به تازی آورده است و بسیاری از نکته‌های حیاتی را جا انداخته است.<sup>۱</sup> ترجمه‌ی اردوی کتابم همین روزها در پاکستان از چاپ بیرون می‌آید. در دهه‌ی هفتاد این کتاب به عنوان درس دانشگاهی در نیجریه پذیرفته شد و برای این خواسته در همان جا به چاپ رسید. من به راستی از این که این کتاب در کشورهای اسلامی با پذیرش و خوش آمد روبه‌رو شده است سخت زیر تأثیر قرار گرفته‌ام و خدا را سپاس می‌نهم که این خدمت ناچیز مرا در پژوهش و بررسی تاریخ آموزش و پرورش مسلمانان مورد لطف قرار داده است.

۱. [این کتاب با این ویژگی‌ها نشر یافته است:

سامی الصقار، تاریخ‌التعلیم عندالمسلمین و المکانة الاجتماعیة لعلمائهم حتی القرن الخامس الهجری م. مستقاة من کتاب تاریخ بغداد، ریاض، دارالمریخ ۱۹۸۱ م.]

## ۱۰ نهاد آموزش اسلامی

بار دیگر به خاطر کوشش‌های ستودنی‌تان در نشر آگاهی درباره‌ی نظام آموزش و پرورش اسلامی در ایران و دیگر جاها از شما سپاس‌گزاری می‌کنم. به پیوست گفتاری زیر عنوان «آموزش و پرورش اسلامی پیش از برپایی مدرسه» برای‌تان می‌فرستم تا ترجمه‌ی آن را در نشر تازه‌ی کتاب بگنجانید.<sup>۱</sup>

ارادتمند،

منیرالدین احمد

به نام آن که از تألیف و ترکیب  
معمای جهان را داد ترتیب  
حسینی نیشابوری

## پیشخوانی

بررسی برگ‌های زرین تاریخ آموزش اسلامی، در همه‌ی زمینه‌ها و زمانه‌ها، کوشش ناب و خستگی‌ناپذیر مسلمانانی را نشان می‌دهد که با شیفتگی و شورآفرینی، فرهنگ پر بار و مایه‌ور و اصیل اسلام را برای جهان دانش و آگاهی بشری به یادگار گذاشتند. برای پی بردن به رمز و رازهای پیشتازی فرهنگ اسلامی، که روزی و روزگاری هیچ هم‌وردی در صحنه‌ی تکاپوهای علمی و هنری نداشت، بی‌گمان به پژوهشی ژرف و راستین در پیرامون نهاد آموزش اسلامی نیازمندیم. این کار شدنی نخواهد بود مگر با خواندن متن‌های کهن و آثار گذشتگان و بیرون کشیدن مواد و دست‌مایه‌هایی که ما را در آشنایی با روش آموزش و پرورش اسلام آشنا می‌سازد و از زندگی و کارمایه‌های اندیشه‌مندی دانش پژوهان و دانشمندان مسلمان در راستای سده‌ها آگاهی می‌بخشد.

ساختار یک جامعه از نظام آموزشی آن جامعه پیداست. به سخن دیگر، نظام آموزشی آینه‌ی تمام‌نمای وضع فرهنگی / اجتماعی هر جامعه است. با این نگاه، به‌بوده نیست که اسلام آن همه بر مسأله‌ی آموزش تأکید و سفارش داشته است و اندیشه‌مندان و فیلسوفان مسلمان در این باره نگاه‌هایی جداگانه نگاشته‌اند.

بدین گونه، هر چه در زمینه‌ی نهاد آموزش اسلامی به‌کندوکاوی گسترده دست یازیم، کاری بجا و سودمند انجام داده‌ایم. هنوز، با آن که نوشتار فراوانی در این رشته نشر یافته است، به راستی به کارهای علمی و تهی از دوباره‌گویی‌ها و بازنویسی‌ها، نیازمندیم.

کتاب حاضر، بی‌گمان، یکی از کارهایی است که ما را با شالوده‌ی آموزش و نیز سازمان‌های آموزشی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی آشنا می‌سازد. این کتاب، پایان‌نامه‌ی آقای دکتر منیرالدین احمد، دانشمند پاکستانی، است که برای دریافت درجه‌ی دکترای فلسفه از دانشگاه هامبورگ نگاشته است. نویسنده در ژولای ۱۹۶۷، بر پایه‌ی این جستار که زیر نظر خاورشناس فقید آلمانی استاد برتولد



اشپولر (C.B Spuler) انجام گرفته است، درجه‌ی دکترا دریافت داشته است. عنوان اصلی کتاب که به انگلیسی نوشته شده است و نشر دانشگاه زوریخ (Zurich) آن را در سال ۱۹۶۸ منتشر ساخته است چنین است:

*Muslim Education and the Scholar's Social Status upto the 5th. Century Muslim Era (11th. Century Christian Era) in the light of Tarikh Baghdad* (verlag, Der Islam, Zürich, 1968.)

همان گونه که خواننده می‌بیند، این جستار بر پایه‌ی کتاب تاریخ بغداد خطیب بغدادی است. خطیب بغدادی (م: ۴۶۳ هـ) در اثر سترگ و ماندنی خویش از زندگی نامه و آثار علمی و فرهنگی همه‌ی دانشمندانی که تا سده‌ی پنجم هجری به بغداد آمده‌اند سخن گفته است و کوشش‌های دانشی و آموزشی آنان را نگاشته است. پژوهشی که دکتر منیرالدین احمد بر پایه‌ی ۱۴ جلد کتاب خطیب بغدادی انجام داده است به راستی کامیاب و سودبخش بوده است. نویسنده، که هم اکنون بازنشسته‌ی مرکز پژوهش‌های اسلامی و خاورشناسی دانشگاه هامبورگ است، تا آنجا که توانسته است از منابع و نگاشته‌هایی که به زمینه‌ی کار او بستگی دارد، سود جسته است.

پژوهش و بررسی درباره‌ی نهاد آموزش اسلامی و تاریخ آن، بیش از هر زمینه‌ی دیگری دلنشین و فریباست. خواننده و پژوهنده‌ی این رشته با تاریخ پیکار و نبرد، خونریزی و ستم‌بارگی، کینه‌توزی و آتش‌افروزی، زندان و شکنجه کردن، تجاوز و خودسری فلان خودکامه، و بهمان فرمان‌روای بی‌فرهنگ و فریبگر سر و کاری ندارد. هر چه هست برگ‌های زرین و دستاوردهای شیرین و دل‌پسندی است که خواننده با خواندن و بررسی آنها احساس سرزندگی و شادابی و شگفتی می‌کند. با این همه، تنها یک بار به فصل برگریز غم‌انگیز این آب و هوا می‌رسد و آن هم هنگامی است که به چشم و همچشمی‌ها و رشک‌ها و تنگ‌بینی‌های دانشمندان و دانشیان برمی‌خورد. تنها در گذر از این تنگنای تاریک و تنش‌زاست که با دریغ و درد، درنگی اندوهگانه می‌کنیم و سوکمندانه، فراموشی پاره‌ای از ارزش‌های والای انسانی را به تماشا می‌نشینیم.

نام نهاد آموزش اسلامی را مترجم از آن رو بر این کتاب نهاد تا فراگیری بیشتری را نشان دهد. اگر چه پژوهش در

اجتماعی دانشمندان تا سده‌ی پنجم هجری در این جُستار انجام گرفته است ولی در واقع، شالوده‌ی آموزش اسلامی تا سده‌ی چهارم و پنجم هجری چنان استوار و پابرجا شده بود که سده‌های واپسین چندان چیز تازه‌ای بدان نیفزود. ناگزیرم یادآوری کنم که واژه‌ی «نهاد» (Institution) با همان بار معنای جامعه‌شناسانه‌اش به کار رفته است. هرکجا نیازی می‌رفت به متن تاریخ بغداد مراجعه کرده‌ام و در پانویست نگاشته‌ام.

در پایان کتاب، سه پیوست افزوده‌ام. پیوست (۱) پارسی شده‌ی گفتاری است از نویسنده‌ی کتاب زیر نام «آموزش و پرورش اسلامی پیش از برپایی مدرسه» که به سفارش وی در پایان این کتاب می‌آید. برای ترسیم یکی از مناظره‌هایی که میان سیبویه و کسایی چهره بست، گفتاری زیر نام «ناکامی‌های سیبویه» به عنوان پیوست (۲) افزوده‌ام. چند نقد و بررسی و معرفی کتاب نیز از سوی خاورشناسان اروپایی و اسلام‌شناسان مسلمان به انگلیسی، آلمانی و تازی انجام گرفته است که همگی آنها ترجمه و در پیوست (۳) گنجانده شده است.

بجاست تا در اینجا یادآوری کنم که جُستارها و پایان‌نامه‌هایی از این دست، به پژوهشگران، دانشجویان و کارشناسان حوزه و دانشگاه ما می‌آموزد که چگونه کارمایه‌هایی ژرف و شیوا و تازه از متن‌های کهن بیرون کشند. برای نمونه، بر پایه‌ی همین تاریخ بغداد خطیب بغدادی، یک بانوی مسلمان به نام ملیحه رحمت‌الله، وضع اجتماعی و فرهنگی زنان مسلمان را به نگارش درآورده است. ای کاش به جای برخی از تصحیح‌ها، تعلیقه‌ها، رونویسی‌ها، نسخه بدل بازی‌ها و دیگر بازیچه‌ها، در راه نشر فرهنگ و دانش انسانی و اسلامی گام‌هایی بنیادین و سرنوشت‌ساز برداریم و بتوانیم در پرتو این تکاپوها و سخت‌کوشی‌ها به فرهنگ پویا و پایای اسلام خدمتی بسزا انجام دهیم. اگر ترجمه‌ی این کتاب بتواند چنین شور و شادابی در دانشجو و استاد برانگیزد، نویسنده برای تکاپوی خویش و رنجی که برده است به هدفی والا دست یافته و مترجم به پاداش کارِ ناقابلی که کرده رسیده است. ایدون باد!

محمدحسین ساکت

پاییزان ۸۳



## رهیافتی به دیدگاه‌های آموزشی خطیب بغدادی

سده‌ی پنجم هجری / یازدهم میلادی، اوج شکوفایی و باروری اندیشه‌های آموزشی مسلمانان دانسته شده است. کشش‌ها و کوشش‌های پیشینیان در سده‌های سوم و چهارم هجری، پیشاپیش راه را برای اندیشه‌مندان سده‌ی پنجم هموار ساخته بود. آنک، آن شکوفه‌ها به بار نشست. گامزنان بزرگ و برجسته‌ی مسلمان در گونه‌گون زمینه‌های وابسته به فرهنگ پویا و پایای اسلامی از گوشه و کنار سرزمین گسترده‌ی اسلام به پا خاستند و در پهندشت اندیشه‌های آموزشی گام‌های بلندی برداشتند. آنان در جای‌جای نگاشته‌های رنگارنگ و بی‌شمار خویش دیدگاه‌هایی تابناک و ماندگار به یادگار گذاشتند. اکنون، در پرتو آن نگاه‌ها و نگرش‌هاست که به اندیشه‌هایی سترگ درباره‌ی پایگاه و جایگاه آموزش اسلامی و روش‌های فراگیری و فرادهی در میان مسلمانان دست می‌یابیم.

خطیب بغدادی (م: ۴۶۴ هـ / ۷۱ - ۱۰۷۰ م)، با آن که نوشتار ویژه و جداگانه‌ای درباره‌ی آموزش و پرورش اسلامی و آیین و روش یادگیری و یاددهی ننوشته است - و یا دست کم تا اکنون از آن تک نگاشت آگاهی نداریم - بی‌گمان، از چهره‌های سرشناس و بلند آوازه‌ای است که می‌بایست تابش‌ها و بازتاب‌های اندیشه‌گری او را در زمینه‌ی آموزش و پرورش اسلامی فراراه تاریک و باریک و کمتر شناخته‌شده‌ی خویش قرار دهیم و در پرتو آن و نیز با بهره‌وری از ره توشه‌های دیگر کارشناسان پیشین مسلمان در این رشته، به نوآوری‌هایی گران‌مایه و کارساز دست پیدا کنیم. برای رهبردی راستین و شتابنده به [ خود فرهنگی ] کشورهای اسلامی و مردم مسلمان، ناگزیر از کندوکاو و جستجوگری و به‌گزینی اندیشه‌های گذشتگانیم، اما با چشمانی باز و دست و دلی گشاده و نه تعصبی کورکورانه و نگاهی تنگ و تاریک و نابخردانه و برداشتی کودکانه.

درباره‌ی خطیب بغدادی و نگاشته‌ها و اندیشه‌های او جستار و گفتاری دراز دامن و پژوهشگرانه به زبان پارسی به چشم نمی‌خورد. از آن میان، به ویژه



اندیشه‌های آموزشی خطیب سراسر ناگفته و ناشنوده مانده است. اگر به یاد آوریم که در سده‌ی پنجم هجری برجستگان و اندیشه‌گرانی مانند ابوحنیفان توحیدی (م: ۴۱۴ هـ)، ابن مسکویه (م: ۴۲۱ هـ)، ابن سینا (م: ۴۲۸ هـ)، ماوردی (م: ۴۵۰ هـ)، ابن حزم (ت: ۴۵۶ هـ)، ابن عبدالبر (م: ۴۶۳ هـ)، و ابوحامد غزالی (م: ۵۰۵ هـ) هر کدام با پرداختن به مسائل آموزش و پرورش اسلامی دیدگاه‌های ویژه و یا مشترک بر جا گذاشتند و در این زمینه حتا تک‌نگاشته‌هایی نگاشتند، بررسی پایگاه آموزشی خطیب بغدادی نه تنها از دیدگاه تاریخ آموزش و پرورش بلکه از دید جستاری جدی درباره‌ی فلسفه‌ی آموزش و پرورش اسلامی، که در نگاشته‌های پارسی هنوز جایگاهی نیافته است، ضروری می‌نماید.

کارمایه‌هایی از این دست، همچنین می‌تواند راه را برای کندوکاو در آموزش و پرورش تطبیقی (Comparative Education) - یا درست‌تر بگوییم آموزش و پرورش سنجشی - هموار سازد. پیداست که ساختار و روش آموزش و پرورش هر جامعه و امّتی راهگشای فرهنگ و دستاوردهای اندیشه‌مندی، اندیشه‌گرایی و اندیشه‌نگاری آن جامعه و امّت است. هرگونه شناخت از فرهنگ و تمدن اسلامی و درک رمز و رازهای گسترش و رهیابی آن به درون توده‌ها و ملت‌ها بی‌آگاهی از روش و منش آموزش و پرورش اسلامی و میراث جاویدان بازمانده‌ی آن و نیز بی‌آشنایی با دیدگاه‌های ژرف و روشنگر اندیشه‌مندان برجسته و دانشمندان و کارشناسان مسلمان در مسائل آموزشی سده‌های پیشین، سترون و بی‌هوده خواهد بود و راه به جایی نخواهد برد.

نشان‌پذیری دیگر نویسندگان و کارشناسان سده‌های واپسین از نظریه‌پردازان مسلمان سده‌ی پنجم هجری، اهمیّت و برجستگی پژوهش در اندیشه‌های کسانی مانند خطیب بغدادی را بهتر و رساتر نشان می‌دهد و هم‌نشانی است بر سترگی دیدگاه‌های او در آموزش و پرورش اسلامی.

اینک، پیش از اندیشه‌نگاری بینش آموزشی خطیب بغدادی، بجااست تا نگاهی بیندازیم شتابزده به زندگی‌نامه‌ی او و حال و هوای سیاسی، فرهنگی و آموزشی زمان و زیستگاهی که وی در آن می‌زیست و می‌اندیشید.

### ۱. نگاشته‌های خطیب بغدادی

خطیب بغدادی در سال ۴۴۵ هـ / ۱۰۵۳ م. در مکه، سید. او به

هنگام نوشیدن آب زمزم سه نیاز از درگاه بی نیاز خواست: نخست، بتواند تاریخ بغداد خویش را در خود شهر بغداد تدریس کند؛ دوم، در جامع منصور بغداد به روایت حدیث پردازد؛ و سوم در کنار آرامگاه پسر حافی به خاک سپرده شود، خطیب به هر سه آرزویش رسید.<sup>۱</sup>

آرزوی های نخست و دوم او شیفتگی و دل بستگی اش را به دانش پژوهی و دانش گستری نشان می دهد. آرزوی سوم خطیب، دست کم نشانگر گرایش او به پارسا منشی است. اگر بخواهیم با دیدی روان شناختی به دو آرزوی نخست و دوم خطیب به هنگام نوشیدن آب از چاه زمزم بنگریم، بلند پروازی او را در زلال جاری آب می بینیم.

خطیب بغدادی در همان سالی که چشم از جهان فرو بست وصیت کرد تا دویست دینار دارایی اش در میان محدثان بغداد بخش شود. او کتاب هایش را نیز به دست ابوالفضل بن خیرون سپرد تا به دانش پژوهان به امانت دهد. سوگمندان، بیشترین آنها - که دست نگاشت زیبای خطیب بود - پس از رسیدن به دست ابن خیرون در زبانهی آتش سوخت.<sup>۲</sup>

از میان ۸۶ نگاشتهی خطیب بغدادی که دستاورد ۶۰ سال تکاپوی علمی اوست، ۳۷ نگاشته دربارهی حدیث و دانش های وابسته به آن است و ۲۵ نوشتار در پیرامون تاریخ و رجال و ۱۴ کتاب و رساله در رشتهی فقه است. دیگر نگاشته های او در زمینهی ادبیات و اعتقادات است.<sup>۳</sup>

از میان نگاشته های برجای ماندهی خطیب بغدادی، هشت نگاشتهی زیرین

1. Ignaz Goldziher, *Muslim Studies*, edited by S. M. Stern, translated by C. R. Barber and S. M. Stern, London, George Allen & Unwin Ltd., 1971, vol. II, p. 250, no. 2.

دربارهی شکوفندگی و فرخندگی نوشیدن آب زمزم، سرگذشت های گوناگونی بازگو شده است. برای نمونه، ابن حجر عسقلانی از آب زمزم نوشید تا به اندازهی دهی دانشمند شود. ابوبکر بن عربی دربارهی تاثیر آب زمزم گزارش ویژه ای نگاشته است. بنگرید به مقرئ، نفع الطیب، ج ۱، ص ۴۸۷.

۲. اکرم ضیاء العمری، «الخطیب البغدادی، سیرته الالدائیة، بیئته الحضرائیة، انتاجه الفکری و اهتمامه القربویة»، اعلام التریة العربیة الاسلامیة، (مکتب التریة العربیة لدول الخلیج ۱۴۰۹ هـ / ۱۹۸۸ م)، ج ۲، ص

۳. اکرم ضیاء العمری، همان، ص ۳۲۹.